

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سهیلا دهماسی

۱۵ جون ۲۰۱۲

زنان کارگر خانگی مهاجر، از تحت ستمترین رنجبران!

هر ساله هزاران زن کارگر، از کشورهای به اصطلاح درحال توسعه جنوب و جنوب شرقی آسیا، به امید مزد ناچیزی که با آن شکم خود و افراد خانواده شان را سیر کنند، خانواده های خود را رها کرده و راهی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و دیگر کشورهای خاورمیانه و یا کشورهای امریکای لاتین می شوند. اینان کارگران خانگی مهاجر هستند که بخش قابل توجهی از کارگران مهاجر جهان را تشکیل می دهند. (۱) درجه استعمار و محرومیت و در یک کلام سرنوشت مصیبت بار و غم انگیزی که در این کشورها در انتظار آنهاست، چهره زشت و بیرحم نظام سرمایه داری را بار دیگر هر چه برجسته تر به نمایش می گذارد.

سازمان جهانی کار تعداد کارگران خانگی را در گزارش سال ۲۰۱۱ خود ۵۳ میلیون نفر اعلام کرده است. رقمی که از کل نیروی کار بسیاری از کشورها بیشتر می باشد و تنها ۹ کشور در دنیا هستند که تعداد نیروی کار آنها بیشتر از ۵۳ میلیون نفر است. یعنی اگر همه کارگران خانگی دنیا را در یک کشور فرضی قرار داده و آنها را، همه کارگران آن کشور فرض کنیم، آنگاه آن کشور دهمین کشور از نظر تعداد نیروی کار می شود. بر اساس همان گزارش، کارگران خانگی حدود ۴ درصد کارگران مزدبگیر دنیا را تشکیل می دهند و به طور متوسط ۸۰ درصد آنها زن هستند. کشورهای عربی بیش از بیست میلیون کارگر مهاجر دارند که بیش از یک سوم آنان را زنان کارگر سریلانکائی، بنگله دیشی، نپالی، اندونزیائی، فیلیپینی و اتیوپیائی تشکیل می دهند، و بیش از ۳ میلیون نفر از آنان در خانه های ثروتمندان کشورهای حاشیه خلیج فارس در شرایطی بسیار سخت و اغلب شدیداً غیر انسانی به کارگری مشغولند. بیش از ۹۰ درصد از کارگران مهاجری که در عربستان سعودی و امارات متحده عربی کار می کنند، اندونزیائی، و بیش از ۹۴ درصد از کارگران مهاجری که در اردن و کویت و لبنان مشغول به کار هستند سریلانکائی می باشند. اکثر کارگر ان خانگی، زنان کارگر مهاجر هستند. با نگاهی به وضعیت زنان کارگر خانگی مهاجر در کشورهای حاشیه خلیج فارس، می بینیم که آنها بنا به دلایل متعددی، کم مزدترین، بی حقوق ترین و تحت ستم ترین کارگران خانگی در جهان هستند، طوری که به درستی در برخی در گزارشات از آنان تحت عنوان "برندگان مدرن" نام می برند.

تا پیش از اوایل دهه ۱۹۸۰، معمولاً زنان کارگر همراه با خانواده هایشان دست به مهاجرت می زدند. اما از آن پس تاکنون بنا به دلایل مختلف (من جمله سودجویی سرمایه داران و استفاده کنندگان از این نیروی کار ارزان جهت کاهش هزینه ها و تغییراتی که در بازار سرمایه داری در اثر رشد "گلوبالیزاسیون" ایجاد شد و منجر به افزایش هرچه بیشتر فقر و گسترش ارتش ذخیره کار زنان- به دلیل ارزانتر بودن کار زنان نسبت به مردها- گشت) تعداد زنان کارگری که به تنهایی مهاجرت می کنند، روز به روز بیشتر شده است. اکثر این زنان کارگر مهاجر به کشورهای عضو "شورای همکاری های خلیج فارس" مهاجرت می کنند. مهاجرت کارگران به این کشورها از اوایل ۱۹۸۰ تاکنون (به دلیل رشد سلطه مناسبات امپریالیستی در این کشورها و نیاز بیشتر به نیروی کار ارزان) بسیار افزایش یافته است. (شورای همکاری های خلیج فارس شامل کشورهای عربستان سعودی، بحرین، قطر، کویت و امارات عربی است.)

در کشورهایی مانند لبنان و اردن نیز، کارگری در خانه ها بزرگترین بخش بازار کار زنان مهاجر را تشکیل می دهد که اکثر آنها زنان مهاجر سریلانکائی و فیلیپینی هستند. بخشی از این زنان، اکثراً زنان فیلیپینی تحصیلکرده هستند. زنان کارگر در محیط های کار اکثراً در معرض آزار و اذیت سیستماتیک صاحبان کار قرار می گیرند. مهمترین دلیلی که منجر به رشد تقاضا برای کار زنان کارگر (به خصوص کارگران خانگی) شده، ارزان بودن آنها (مزد بسیار ناچیز آنها) است. رشد اقتصادی طبقه غارتگر سرمایه دار وابسته در کشورهای نفت خیز، از یک طرف و تشدید بحران اقتصادی نظام سرمایه داری در سالهای اخیر که منجر به هر چه فقیر تر شدن مردم کشورهای تحت سلطه گشته از طرف دیگر باعث روی آوری زنان طبقه کارگر این کشورها به بازار جهت فروش ارزان نیروی کار خود شده است. طبقه سرمایه دار در کشورهای نفت خیز اولین مشتری این نیروی کار ارزان هستند به خصوص که بر اساس سنت و فرهنگ ارتجاعی حاکم، آنها داشتن خدمتکار را جزئی از "پرسنیژ" اجتماعی خود می دانند. همچنین با توجه به رشد سریع مناسبات سرمایه داری و نیازهای آن، زنان شهروند آن کشورها هر چه بیشتر به بازار کار سرمایه داری کشیده شده اند. در نتیجه، زنان شاغل که نیاز به خدمات کارگران خانگی برای انجام کارهای خانه و نگهداری از کودکانشان دارند، از دیگر مشتری های کارگران خانگی مهاجر ارزان قیمت هستند.

در کشورهای حاشیه خلیج فارس که رژیم های دیکتاتور وابسته به امپریالیسم حکومت می کنند، هجوم دائم التزاند سرمایه های امپریالیستی در اشکال مختلف و استثمار شدید کارگران مهاجر، دو روی یک سکه هستند. این کشورها دارای قوانین مهاجرتی بسیار ارتجاعی و زن ستیزانه و ظالمانه ای هستند که دست کارفرمایان را برای استثمار شدید کارگران خارجی و ظلم و ستم به آنها کاملاً باز گذاشته است. نخستین رفتار غیر انسانی و استثمارگرانه صاحبان کار در قبال کارگران خانگی در بدو ورود آنها، ضبط پاسپورت و مدارک شناسائی آنهاست. این عمل در واقع ابزاری برای در بردگی نگه داشتن کارگران خانگی است. پرداخت نکردن حقوق کارگران، افزایش ساعات کار و از آن بدتر آزار و شکنجه جسمی و روحی آنها نمونه هایی از این اجحافات هستند. در این کشورها که قوانین و فرهنگ ارتجاعی زن ستیزانه نسبت به کشورهای دیگر سنگینی بیشتری دارد، زنان کارگر خانگی به دلیل جنسیتشان، خیلی بیشتر (نسبت به دیگر کارگران مهاجر و غیر مهاجر) مورد استثمار و اذیت و آزار شدید کارفرماهایشان و واسطه ها و پولیس و دیگر مأمورین دولت قرار می گیرند. استثمار شدید و بهره برداریهای جنسی و عدم اطمینان دائم از پرداخت شدن دستمزدهای ناچیز همواره همچون شیخ سیاهی در زندگی پر از رنج کارگران خانگی زن سایه افکنده است. حتی جرأت به اقدام هرگونه شکایت چه به صاحب کار و چه به مقامات

رسمی ممکن است به عواقب بسیار دردناکی در زندگی آنها منجر شود. از جمله ممکن است کارگر زنی که به مقاومت در مقابل تجاوز از طرف کارفرما دست زده، به طور غیر عادلانه خود به تحمل زندان محکوم شود.

در سیستم استثمارگرانه حاکم بر زندگی و کار کارگران خانگی، واسطه‌ها نقش بسیار مخرب مهمی دارند. واسطه‌ها، افرادی سودجو هستند که از طریق استثمار شدید کارگران خانگی به زندگی انگلی خود ادامه می‌دهند. آنها در چهارچوب قوانین مهاجرت ارتجاعی و ضدکارگری، به طور فردی و یا از طریق ثبت یک شرکت خدماتی، با تحمیل بدترین شرایط به متقاضیان به استخدام کارگران مهاجر پرداخته و آنها را با ویزاهای موقت به خانه‌های ثروتمندان در کشورهای عربی خلیج فارس می‌فرستند. معمولاً مزد کارگران به واسطه‌ها پرداخت می‌شود که پس از کسر بخش عمده‌ای از آن، مبلغ ناچیزی به کارگران می‌دهند. از آنجا که واسطه‌ها، کارگران را فریب داده و مخارج ویزا و پاسپورت و غیره را بیش از آنچه که بوده وانمود می‌کنند، اغلب کارگران و خانواده‌های آنها زیر بار قرض‌های کلان و بدهکاری به واسطه‌ها قرار دارند. در امارات متحده عربی، به این واسطه‌ها "کفیل" گفته می‌شود که در چهارچوب قوانین این کشور عملاً از حقوق بسیار زیاد و حمایت‌های قانونی فراوان برخوردارند. طبق قوانین مهاجرت امارات، خارجیانی که اقامت دائم در این کشور را ندارند و باید هر ۳ سال یکبار ویزای اقامت خود را از طریق پرداخت مبلغی به یک کفیل تمدید کنند. این قانون "قانون کفالت" نام دارد و در اغلب کشورهای عربی خلیج فارس جاری است. بسیاری از کفیل‌ها و کارفرمایان با توجه به موقعیتی که در سیستم سرمایه‌داری حاکم در این کشور پیدا کرده‌اند با سود جوئی وحشتناک از قبل کار زنان کارگر، آنها را به تقبل غیر انسانی‌ترین شرایط و حتی فحشاء نیز وادار کرده‌اند.

کارگران مهاجر (و به خصوص زنان) که منبع درآمد مهمی برای طبقه سرمایه‌دار و دولت حامی آن در کشورهای زادگاه خود هستند، توسط آنها نیز مورد ظلم و ستم مضاعف قرار می‌گیرند. به طور مثال، دولت‌های جنوب و جنوب شرق آسیا که بزرگترین صادرکنندگان کارگر مهاجر هستند و از این طریق درآمد مالیاتی کلانی به دست آورده‌اند، هیچ‌گاه شهروندان خود را در مواردی که نیاز دارند مورد حمایت قرار نمی‌دهند. ناگفته نماند که قسمت عمده این درآمدهایی که از دسترنج شبانه‌روزی کارگران به دست آمده، توسط دستگاه سرکوب حاکم به مصرف سرکوب خود این کارگران و دیگر زحمتکشانشان تحت ستم می‌رسد. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۰ بیش از ۲ میلیارد دلار از درآمدهای مالیاتی دولت بنگله دیش از مزد ناچیز کارگران فقیر مهاجر بوده و نگاهی به اخبار کارگری این کشور، گواه مخارج کلانی است که دولت بنگله دیش صرف سرکوب مبارزات کارگری در این کشور می‌کند. بنابراین، علی‌رغم منافع بسیار و درآمدهای کلانی که از قبل کار زنان کارگر خانگی نصیب کارفرماهایشان و دولت کشور زادگاهشان می‌شود، این کارگران هم در چهارچوب قوانین مهاجرت کشور مهمان و هم در چهارچوب قوانین ضدکارگری کشور زادگاهشان شدیداً مورد ظلم و ستم قرار داشته و آنچنان استثمار و تحقیر می‌شوند که غالباً برای رهائی از زندگی پردرد و رنجی که دارند، گاه چاره‌ای جز خودکشی نمی‌بینند. اتفاقاً، اخیراً فیلمی در مورد سرنوشت غم‌انگیز یک زن جوان کارگر مهاجر اتیوپیایی به نام "اعلم دچاسا" در رسانه‌های کشورهای مختلف منتشر شد که در این فیلم چند مرد نشان داده می‌شود که در حال کتک زدن "اعلم" هستند، و او بی‌رمق و ناتوان در کف خیابانی در بیروت، زیر دست و پای آنها افتاده است. آنها بعد از کتک زدن "اعلم"، او را به زور به داخل اتومبیلی انداخته و به مقصد نامعلومی بردند. بعداً معلوم شد که در واقعیت امر یکی از آن مردها "علی محفوظ" نام داشته و یکی از صاحبان شرکت پیمانکاری است که "اعلم" را برای کارگری به لبنان آورده بوده. چند روز پس از انتشار این فیلم، اعلم در بیمارستان خودکشی کرد.

آنچه بر سر اعلم آمد در واقع جلوه ای از ظلم و ستم و بی حقوقی در سیستم سرمایه داری حاکم بر جهان است که انسان های زحمتکش و مولد ثروت را اسیر دست مشی انگل های اجتماعی کرده است. در کشورهای یاد شده به هیچ وجه قوانین عادلانه ای که به آنها عمل شود هم وجود ندارد که حداقل وقتی اعلم ها با اجحافات و ظلم و ستم بی حد مواجه می شوند بتوانند از آنها استفاده کنند. مسلماً اگر اعلم تا این درجه خود را بی دفاع و بدون پشتیبان نمی دید، به خودکشی دست نمی زد. (فلم غم انگیز اشاره شده را می توانید در این لینک مشاهده کنید <http://www.ethiopianreview.com/content/37513>)

طبق بررسی هائی که توسط سازمان جهانی کار در رابطه با وضعیت زنان کارگر خانگی در ۴ کشور بحرین، کویت، لبنان و امارات متحده عربی انجام شده، مزد متوسط این کارگران در لبنان ۱۰۰ تا ۳۰۰ دلار و در امارات ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار در ماه برآورد شده است که با توجه به ساعات طولانی کار و شرایط کار آنها بسیار ناچیز و در حد بردگی است. در این کشورها، مزدی بابت "اضافه کاری" به این کارگران که گاه تا ۱۰۱ ساعت در هفته کار می کنند، پرداخت نمی شود. آنها معمولاً همه روزهای ماه کار می کنند و برخی از آنها فقط یک یا دو روز در ماه تعطیل (و در واقع آزاد) هستند.

طبق گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل که معمولاً تمام حقیقت را بیان نمی کند، بیش از ۴۰ درصد از کارگران خانگی بحرین، مورد آزار و تنبیه بدنی و دیگر خشونت ها من جمله تجاوز جنسی، قرار می گیرند. به طور مثال، بیش از ۵۰ درصد از کارگرانی که در کویت توسط سازمان جهانی کار مصاحبه شدند، اعلام کرده اند که صاحبکارها و واسطه هایشان آنها را تحت انواع خشونت های شدید من جمله تجاوز جنسی قرار داده اند. رفتار غیر انسانی که مناسبات ضد خلقی سرمایه داری، وقوع سیستماتیک آن را ممکن ساخته است.

طبق قانون "کفاله"، (یا کفالت) در این کشورها، اگر کارگران، که اصولاً فاقد ابتدائی ترین حقوق انسانی هستند، در واکنش به استثمار و وحشی گری صاحب کار، از محل کار خود، یعنی از خانه شکنجه گرشان فرار کنند، از آنجا که شکنجه گر یعنی همان صاحب کار در واقع ضامن و کفالت کننده آنها نیز بوده، این فرار به معنی رفتار خلاف قانون مهاجرت بوده و به بازداشت و استرداد کارگر به کشور زادگاهش منجر خواهد شد. بنابراین، ساختار کفاله در واقع معادل کار اجباری است و "قانون" شرایط را برای استثمار و اعمال تبعیض علیه کارگران، تسهیل می کند. طبق قوانین اغلب کشورهای خاورمیانه، به خصوص چهار کشوری که در گزارش مزبور ذکر شده، در صورت فرار کارگران، پولیس عکس آنها را در روزنامه ها منتشر می کند و هر کسی را هم که به کارگر فراری پناه داده، همراه با او زندانی خواهد کرد. بسیاری از کارگران مصاحبه شده اعلام کرده اند که پس از فرار، وقتی که دستگیر شده اند توسط پولیس مورد شکنجه و آزار جنسی قرار گرفته اند. در یک گزارش گفته شده است که ۱۹۰۰ نفر از کارگران خانگی عربستان سعودی در سال ۲۰۰۰ از خانه صاحب های کارشان فرار کرده و اعلام کردند که در زمان دستگیری مورد آزار پولیس قرار گرفته بودند و مزدهای پرداخت نشده شان را هم هرگز دریافت نکردند. این رفتار شبیه برخی از جنایات ضد خلقی فاشیستها با قربانیانشان در اردوگاه های کار اجباری است که نظام استثمارگرانه سرمایه داری اکنون در قرن بیست و یکم، با شعارهای "آزادی" و "دمکراسی" و "حقوق بشر" بار دیگر به طور نفرت آوری آن را در حق قربانیان خویش اعمال می کند.

تا آنجا که به نفس به اصطلاح قراردادهائی که واسطه ها با کارگران مهاجر می بندند، این قراردادها، هیچ گونه منفعتی برای کارگران ندارند. اغلب آنها به شکلی تقلبی توسط واسطه ها تهیه شده و اکثر کارگران اطلاعی از محتوای قراردادها (که به زبان عربی نوشته شده و در زمان امضاء توسط کارگران فهمیده نشده اند) ندارند. حتی

در صورت وجود قرارداد قانونی هم، اغلب کارفرماها و واسطه‌ها اعتنائی به قانون نداشته و معمولاً چندین ماه از حقوق کارگران را پرداخت نمی‌کنند و آن را به عنوان کارمزد خود (به عنوان کفاله) برمی‌دارند. قانونی هم که به شکایت کارگران مهاجر رسیدگی کند، وجود ندارد. در واقع، در اغلب کشورهای عربی کارگران خانگی "کارگر" محسوب نشده و تحت پوشش قانون کار قرار ندارند. علاوه بر آن، خانه صاحب‌های کار آنها نیز، طبق قوانین این کشورها "محیط کار" محسوب نشده و در صورت شکایت کارگر هم، نمی‌تواند مورد بازرسی قرار گیرد.

با بالا گرفتن رسوائی مربوط به جنایات و ستم‌های اعمال شده توسط سرمایه‌داران و کارفرمایان زالو صفت در حق کارگران خانگی در افکار عمومی، گردانندگان نظام سرمایه‌داری در سازمان ملل، در سال ۲۰۰۳ کنوانسیون بین‌المللی صیانت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌شان را در سازمان ملل متحد تصویب کردند. اما تاکنون از میان کشورهای عربی، تنها مصر، لیبیا، مراکش و سوریه به آن پیوسته‌اند. در این رابطه، سازمان موسوم به دیده بان حقوق بشر اعلام کرده است که در اکثریت قریب به اتفاق کشورها "تلاشی" برای به رسمیت شناختن حداقل حقوق انسانی کارگران خانگی صورت نگرفته است. دولتهائی هم که ظاهراً تلاش کرده‌اند تا با انجام اقدامات و تصویب مقررات ابتدائی و ناچیز، خود را حامی زنان کارگر نشان دهند، (برای این منظور به عنوان مثال در بحرین، مؤسساتی به عنوان "پناهگاه" برای اسکان دادن زنان کارگر آزار دیده در نظر گرفته شده) نشانه و مدرکی از مفید بودن و یا به اجراء درآمدن آنها وجود ندارد. بنابراین، اغلب این تغییرات روی کاغذ باقی مانده و عملاً به خاطر تناقض با قوانین ارتجاعی حاکم، قدرت اجرائی ندارند. بیشتر این قوانین روی کاغذ، به خاطر ساکت کردن انتقادات مجامع بین‌الملل و رعایت چهارچوب‌های "حقوقی" کشورهای غربی و جلب رضایت سرمایه‌گذاران غربی و مقررات فورمالیته بازار سرمایه‌های مالی جهانی و یا اگر روشن‌تر گفته شود برای قانونی جلوه دادن استثمار وحشیانه کارگران و بستن دهان منتقدین نوشته شده‌اند.

تجربه تلخ و غم‌انگیز وضعیت کار و معاش کارگران خانگی و به ویژه زنان کارگر نشان می‌دهد که تحت مناسبات ارتجاعی موجود و بازار وسیعی که این مناسبات برای استثمار شدید کارگران خانگی ایجاد کرده، جز با سرنگونی سیستم ظالمانه حاکم، تغییری واقعی در شرایط زندگی کارگران (از کارگران داخلی گرفته تا کارگران مهاجر و زنان کارگر خانگی) ایجاد نمی‌شود.

با بالا گرفتن خشم و نفرت عمومی از رفتار ضد کارگری و غیر انسانی سرمایه‌داران و کارفرمایان با کارگران خانگی، اخیراً "دیم‌حوری" نایب رئیس بخش خاورمیانه و افریقای شمالی دیده بان حقوق بشر گفته است که: «در حالی که تعلیم کارفرمایان اهمیت دارد، برای ایجاد تغییرات پایا و حقیقی؛ کارفرمایان باید بدانند که تضييع حقوق کارگزاران و پايمال کردن آزادیهای اولیه انسانی، بدون مجازات باقی نخواهد ماند».

اما واقعیت این است که امثال "دیم‌حوری"ها به روی خود نمی‌آورند که تا زمانی که دولت‌ها و رژیم‌های سرکوبگر و ضدخلفی مورد حمایت امپریالیست‌ها و سازمان ملل شان قرار دارند، و حتی توسط آنها بر اریکه قدرت نشانداده شده‌اند، و تا زمانی که سرمایه‌داری به نیروی کار فوق‌العاده ارزان این دسته از کارگران نیاز دارد، هیچ قانونی و هیچ مجازاتی (که به خصوص قرار است توسط مؤسسات امپریالیستی اجراء شود) راه حل اساسی برای نجات کارگران و زحمتکش‌شان نیست. جهت اثبات این واقعیت کافی است به عمق واقعه زیر توجه کنیم تا ببینیم که سرمایه‌داران تحت حمایت کدام قدرت حاکم به سرکوب و شکنجه کارگران می‌پردازند:

مدتی پیش فلمی توسط شبکه "ای بی سی" امریکا منتشر شد که نشان می‌داد چگونه ظلم و ستم و وحشیگری در کشورهای خلیج فارس در میان صاحبان قدرت (که با حمایت امپریالیست‌ها به قدرت رسیده و در قدرت مانده‌اند)

علیه مخالفینشان شایع است. این فلم به طور مخفیانه از یک شاهزاده امارات به نام "شیخ عیسی بن زاید آل نهیان" پسر رئیس سابق امارات گرفته شده بود که او را در حال شلاق زدن، شوک برقی دادن و ریختن نمک روی زخم و خاک ریختن در دهان، و تجاوز به یکی از نوکران و عمال خود او نشان می داد.

وضعیت ناگوار کارگران مهاجر و قوانین ارتجاعی مهاجرت منحصر به کشورهای عربی نیست. در برخی از کشورهای پیشرفته اروپا و امریکا نیز، قوانین مهاجرت کارگران خانگی حتی نسبت به قوانین عمومی مهاجرت (که به اندازه کافی ارتجاعی و ضد مردمی هستند) ظالمانه تر می باشند و از خیلی جهات به قانون ضد کارگری "کفاله" کشورهای عربی شبیه است. در این مورد می توان از شرایط صدور ویزائی که دولت کانادا به کارگران خانگی می دهد نام برد. این کارگران معمولاً از زنان کشورهای امریکای جنوبی هستند و البته اخیراً درخواست برای اخذ آن ویزا در میان مهاجران ایرانی نیز شایع شده. ویزای مزبور از طریق وساطت خانواده ای که کارفرمای آن کارگران است و یا شرکت خدماتی که آنها را برای خدمتکاری در خانه ثروتمندها استخدام می کند، گرفته می شود. این کارگران خانگی می بایست پس از ۴ سال کارگری در کانادا به کشورشان بازگردند و مجدداً از طریق شرکت های واسطه، تقاضای ویزای کار کنند. با این شیوه، دولت کانادا از اقامت دائم دادن به این کارگران معاف شده و در نتیجه در عین استفاده از نیروی کار ارزان و استثمار آنها، در هزینه هائی که شامل مهاجران معمولی می شود، مانند مخارج دکتر و دارو و درمان و یا تحصیل کودکان مهاجران، صرفه جوئی می کند. در پی اخبار متعددی که در چند سال گذشته در رابطه با آزار و اذیت و تجاوز جنسی کارفرمایان به کارگران خانگی مهاجر، در رسانه های کانادا منتشر شد، دولت کانادا تحت فشار افکار عمومی مجبور شد که اصلاحاتی (هرچند ناکافی) در این بخش از قانون مهاجرت ایجاد کند و آن را کمی شبیه به قانون عمومی مهاجرت نماید. با این حال هنوز هم این کارگران جزو تحت ستم ترین و بی حقوق ترین کارگران در کانادا هستند و برای حمایت واقعی از آنان باید تفاوت های قانونی که بین آنها و دیگر مهاجران وجود دارند، به طور کامل برداشته شوند.

وضعیت زندگی و کار کارگران مهاجر خانگی به مثابه بخشی از کل طبقه کارگر دنیا، انعکاسی از ماهیت ضد انسانی و استثمارگرانه نظام سرمایه داری در سطح جهانی ست. شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان جهان، هر چه روشنتر چهره کریه سیستم سرمایه داری و ماهیت ظالمانه و سرکوبگر آن را برملا ساخته و بیش از پیش بر ضرورت سرنوینی این سیستم ضدبشری مهر تأیید می زند.

با بررسی مختصری که در اینجا در رابطه با زندگی زنان کارگر خانگی شد، می بینیم که چگونه زنان کارگر، تحت ستم ترین انسانها در این جهان سرمایه داری بوده و طبقه سرمایه دار از طریق اعمال یکی از وحشیانه ترین انواع ظلم و ستم و استثمار بر آنها، جیب های خود را پر تر کرده و به قدرت اقتصادی خود می افزایند. از این روست که در حال حاضر نیز، که تقاضا برای کار کارگران خانگی مهاجر در کشورهای خاورمیانه همچنان روبه افزایش است، هیچ نشانه ای از بهتر شدن وضعیت آنها، نه در کشورهای محل تولدشان و نه در کشورهای مقصد دیده نمی شود. در نتیجه مبارزه برای بهبود وضعیت کارگران مهاجر و تضمین حداقل مطالبات انسانی و پژوهش خواستها و صدای اعتراضشان یکی از وظایف هر نیروی انقلابی و آزادیخواه است.

زیرنویس:

(۱) سازمان جهانی کار "کارگر خانگی" را کسی می داند که در چهارچوب رابطه کارگر و کارفرما به طور تمام وقت به انجام کارهای خانگی (از قبیل نظافت خانه، نگهداری از کودکان و بیماران، آشپزی، خرید و یا حتی

باغبانی و نگهداری و دیگر نیاز هائی از این دست پرداخته و در ازای آن مزد دریافت می کند. سازمان جهانی کار کسانی را که به طور نیمه وقت و یا هراز گاهی از کودکان خانواده ای نگهداری می کند "کارگر خانگی" تلقی نمی کند. در حالی که این قشر یکی از پر جمعیت ترین اقشار کارگران خانگی تحت ستم می باشند.